

کاوشی در فرآیند شکل‌گیری پدیده‌ی کودکان کار خیابانی و پیامدهای آن در شهر اهواز^۱

محمدحسین مقدم^۲، حسین ملتفت^۳، عزیز حزباوی^۴

چکیده

هدف پژوهش پیش رو، کاوشی در فرآیند شکل‌گیری پدیده‌ی کودکان کار خیابانی و پیامدهای آن در شهر اهواز است. ماهیت این پژوهش کیفی و با استفاده از نظریه‌ی زمینه‌ای و نمونه‌گیری هدفمند و با معیار اصل اشباع نظری با ۱۰ نفر از کودکان کار خیابانی مصاحبه عمیق صورت پذیرفت. یافته‌ها شامل ۱۰ خرده‌مقوله، مسائل پیش روی خانواده پس از طلاق والدین، آسیب‌های روحی پس از طلاق در خانواده، مشوق‌های محیطی، آموزش و انتقال روش‌های کار در خیابان، کار کودک به مثابه ابراز وجود، آسیب‌های اجتماعی کار کودک در خیابان، چالش‌های زمانی، رفتار دوگانه مردم با کودک، گسست‌های کاری، آسیب‌های روحی کار کودک در خیابان، ۴ مقوله اصلی، چالش‌های مابعد طلاق در خانواده، معاشرت افتراقی کودک، راهبرد گزینشی کار کودک در خیابان، پیامدهای فردی-اجتماعی کار کودک در خیابان و مقوله هسته، کار کودک به مثابه مقابله با وضع موجود است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دست‌کم دو عامل خانواده و نابسامانی‌های موجود در آن، به عنوان شرط لازم و معاشرت افتراقی و به

۱- این مقاله برگرفته از پایان نامه تقاضا محوری است که با حمایت مالی شهرداری اهواز انجام شده است.

۲- کارشناس ارشد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز

mohammadhoseyn.moghadam@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسؤول)

Moltafet_h@scu.ac.ir

۴- مربی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز

ahazbavi@gmail.com

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۹

صورت کلی‌تر ریشه محیطی به عنوان منبع القاکننده کار به کودک و شرط کافی، فرآیند پدیده‌ی کودکان کار خیابانی در شهر اهواز را شکل می‌دهند.

واژه‌های کلیدی

کودکان کار خیابانی، نظریه‌ی زمینه‌ای، آسیب اجتماعی، نابسامانی‌های خانواده، اهواز.

مقدمه و بیان مسأله

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی در طول تاریخ همواره وظایف و تکالیفی را بر عهده داشته است. حمایت اقتصادی و عاطفی از فرزندان، تأمین امنیت آن‌ها، تزریق الگوها و ارزشها به کودکان، و به صورت کلی تربیت کودکان و توجه به نیازهای مادی و غیرمادی، بخشی از تکالیف خانواده بوده است. در طول تاریخ و با بروز تحولاتی مانند انقلاب صنعتی، مسائل جدیدی نیز مانند رشد سریع شهرنشینی، افزایش حاشیه‌نشینی در شهرها، تکدی‌گری، فقر و نابرابری، شکاف طبقاتی، سست شدن الگوها و ارزش‌ها در جوامع بروز پیدا کرد و به تبع آن خانواده نیز با چالش‌ها و مسائل جدیدی روبه رو شد که تاکنون تجربه نکرده بود. این مسائل که به شدت بنیان خانواده را تحت تأثیر خود قرار می‌داد، ذهن اندیشمندان و به ویژه جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران حوزه اجتماعی را به خود جلب کرد.

یکی از این پدیده‌ها پدیده‌ی کودکان کار خیابانی است. تعاریف متنوعی از این پدیده شده است؛ اما یونیسف این کودکان را به سه دسته تقسیم کرده است: کودکان زندگی خیابانی، شامل کودکانی است که از خانواده خود جدا شده و در خیابان زندگی می‌کنند. دسته دوم، کودکان کار خیابانی، کودکانی که برای کار کردن در خیابان و کسب دستمزد حضور دارند و به طور مرتب به خانه بر می‌گردند و دسته سوم، کودکان خانواده‌های خیابانی، کودکانی که با خانواده‌هایشان در خیابان زندگی می‌کنند (ایمانی و نرسیسیانس، ۱۳۹۱: ۱۴). با این تعاریف، مفهوم کودکان کار خیابانی در این پژوهش با گروه دوم تعریف یونیسف کاملاً منطبق است. مفهوم کودکان کار خیابانی، اشاره به کودکانی دارد

که در خیابان‌ها مشغول کارند و معمولاً کار آن‌ها در خیابان، آدامس‌فروشی، پاک کردن شیشهٔ خودروها، وزن‌کشی، اسفند دود کردن و ... است. کودکان کار در خیابان تحت فشارها و تنش‌های زندگی در شهرها و به خصوص کلانشهرها قرار دارند و از نظر جسمی، عاطفی، ذهنی، اخلاقی و اجتماعی در معرض خطر قرار دارند و اکثر آنها از عدم توجه والدین و همچنین مشکلات مرتبط با خانواده‌های خود رنج می‌برند و به صورت کلی‌تر جریان اجتماعی شدن آنها و کارکرد خانوادگی آنها دچار اختلال است.

"کودکان کار علاوه بر آسیب‌های جسمی، با آسیب‌های غیر جسمی که معمولاً برگشت‌ناپذیرند، نیز روبه‌رو می‌شوند، برای مثال کودکان کار از بعد روانشناختی دچار ضعفند؛ برای همین نمی‌توانند از آموزش و پرورش برخوردار گردند و حتی در بعضی توانایی‌ها مانند محاسبات ریاضی ضعیف عمل می‌کنند. رشد عاطفی کودکان نیز در اثر کار در شرایط سخت روانی مختل می‌گردد و احساساتی مانند عزت نفس کافی، دلبستگی خانوادگی و احساس عشق در آن‌ها لطمه می‌بیند. این کودکان همچنین دچار انواع افسردگی‌ها و نگرانی‌هایی می‌شوند که با سن آن‌ها تناسبی ندارد" (بایدن^۱، ۲۰۰۰: ۱۲). در ایران مسأله کار کودکان در خیابان از دههٔ هفتاد در کلانشهرهای کشور مطرح و مورد توجه پژوهشگران و مسئولان قرار گرفت. مطالعات انجام شده در ایران هم از نظر علل و عوامل هم از جنبهٔ پیامدها نشان داد که مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فقر و عوامل خانوادگی، کودکان را به سمت کار در خیابان می‌کشاند (وامقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۴). بر اساس آخرین آمار مربوط به کودکان کار در ایران که از سوی مدیر کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی اعلام شده است. حدود یک میلیون و هشتصد کودک کار وجود دارد که از میان آن‌ها ۴۰۰۰۰۰ نفر بین ۱۵ تا ۱۸ سال بوده‌اند (مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷). به دلایل مختلفی، آمارهای رسمی دربارهٔ کودکان کار و خیابان وجود ندارد و بهترین منبع گفته‌های مسئولان مربوط بخصوص بهزیستی است. طبق آخرین گفته‌های مدیر کل سازمان بهزیستی استان خوزستان در

خرداد ماه ۱۴۰۱ تاکنون در استان ۱۱۲۷ کودک کار خیابانی شناسایی و ساماندهی شده‌اند. بررسی پرونده این ۱۱۲۷ نفر شناسایی شده حاکی از آن است که اکثر این کودکان کار، از مناطق حاشیه به سطح شهر می‌آیند.

ضرورت توجه به این مسأله را می‌توان به صورت خلاصه در موارد زیر یافت:

۱. کودکان و نوجوانان آینده‌سازان یک کشور و نیروی محرک و موتور اقتصادی یک جامعه محسوب می‌شوند؛ بنابراین هر خطری که آنها را تهدید کند، آینده یک کشور را تهدید کرده است و شهر اهواز نیز به عنوان دومین شهر حاشیه‌نشین کشور پتانسیل بسیاری در جهت گسترش این پدیده دارد.

۲. پدیده کودکان کار خیابانی، می‌تواند پیامدهای ناگواری برای کودکان داشته باشد از جمله اینکه افراد ناشناس و بعضاً گروه‌های ناشناس از کودکان در جهت کسب سود، سوء استفاده می‌کنند و کودکان را در سطح شهر اهواز برای تکدی‌گری و کارهایی از این دست ساماندهی می‌کنند.

۳. حضور کودکان در خیابان به منزله امکان بروز انواع مسائل و آسیب‌ها است؛ زیرا کودکان به دلیل شرایط خاص کودکی هم به شدت آسیب‌زا و هم آسیب‌پذیرند؛ به عبارت دیگر آنها علاوه بر اینکه خود قربانی افراد ناشناس می‌شوند از طریق همان افراد نیز می‌توانند دیگران را قربانی کنند و توزیع‌کننده یا پخش‌کننده مواد و اشیاء و غیره برای دیگران شوند.

در کشور ما و بویژه کلانشهرها نیز حضور کودکان در خیابان برای کار کردن و کسب درآمد با ریشه‌های متنوع اقتصادی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی، همراه بوده است. ریشه‌های مختلف نارسایی‌ها یا ناکارآمدی‌های نهاد خانواده و همچنین مسائل مربوط به وضعیت اقتصادی و معضلات اجتماعی و فرهنگی، علاوه بر تأثیری که در بروز این پدیده کودکان کار خیابانی می‌توانند داشته باشد و کودکان را از خانه و خانواده به خیابان و تبدیل آنان به کودک کار سوق دهند و کودکان را به عنوان منبع یا ابزاری در اختیار گروه‌های تبهکار مانند سارقان، خرید و فروش مواد مخدر، تکدی‌گری، و انواع و اقسام

انحرافات و سوءاستفاده‌های مختلف قرار دهند که خود این مسأله اجتماعی به مسائل اجتماعی دیگر دامن می‌زند. شهر اهواز هم مانند سایر کلانشهرها از این پدیده مصون نمانده است و شاهد حضور روزافزون کودکان کار در سطح شهر و حاشیه‌های آن هستیم. پژوهش حاضر، کاوشی در فرآیند شکل‌گیری پدیدهٔ کودکان کار خیابانی و پیامدهای آن در شهر اهواز است که در پاسخگویی به سؤالات زیر بر آمده است:

۱. شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر شکل‌گیری پدیده کودکان کار خیابانی در شهر

اهواز کدامند؟

۲. کنش تعامل کودکان کار خیابانی چگونه است؟

۳. پیامدهای پدیدهٔ کودکان کار خیابانی در شهر اهواز چیست؟

پیشینه تجربی

قهرمانی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعهٔ خود که از طریق روش کتابخانه‌ای و اسنادی برای دستیابی به هدف تحقیق استفاده کرده بودند و از وب سایت‌های معتبری همچون سازمان جهانی بهداشت، بانک‌های اطلاعاتی، همچنین مطالعات انجام شده در ایران که شامل مقالات، پایان‌نامه‌ها و پایگاه‌های داده مگا^۱ ایران، اس‌ای دی^۲، گوگل^۳، همچنین ایرانداک^۴ از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۹۸ که با موضوع کودکان کار مرتبط بوده است، نشان داد که در مجموع چهار دسته عامل بر کودکان کار اثرگذارند که عبارتند از: مشکلات خانوادگی، شهرنشینی، مشکلات اجتماعی و فرهنگی و شخصیت کودکان.

آقاپور فرکوش و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود که با ۳۱۸ کودک خیابانی در شهر تهران مصاحبه کرده بودند آنها نتیجه گرفتند که عنصر و مؤلفه‌های (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، جمعیتی، جغرافیای، و نیز شرایط بین‌المللی) در شهر تهران با ظهور، بروز، گسترش، تداوم، پیامد و نیز کنترل و جلوگیری از گسترش پدیدهٔ خیابانی رابطه

1. Mega
2. Sid
3. Google
4. IRANDOC.

معناداری دارند.

در تحقیقی که در شهر اهواز به روش کیفی توسط حزباوی و ملتفت (۱۳۹۶) انجام شد مقوله‌های زیر پدیدار شدند: کودک برای جهت کمک به خانواده، پیامد پویایی خانواده، کار کودک ابزار خودشکوفایی، نتیجه محرومیت نسبی و به صورت کلی کار کودک برای کمک به نابسامانی‌های خانواده.

اندکی فشتمی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود که مطالعه کودکان کار شهر رشت، با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه پرداخته بود، دریافت که عواملی چون تعداد فرزندان خانواده، میزان درآمد خانواده، اعتیاد والدین، خشونت والدین علیه کودک، بر کار کودکان تأثیر می‌گذارند.

آقاجان (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با کودکان بین ۱۸ تا ۱۰ که سابقه کار و دستفروشی در تهران داشتند و از طریق پرسشنامه انجام شده بود دریافت که بین متغیرهای اشتغال والدین، اعتیاد والدین، طلاق والدین، خشونت خانوادگی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی رابطه مثبت و مسقیم با متغیر وابسته کودکان کار وجود دارد. علاوه بر این متغیرهای حمایت اجتماعی و میزان درآمد با این پدیده، رابطه معکوس و منفی داشته‌اند.

امیری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود که در شهر اصفهان انجام شده بود برای پاسخ به این سؤال که کودکان کار افغانی در شهر اصفهان چه تجربه‌ای از حضور و فعالیت در خیابان دارند، از روش کیفی و پدیدارشناسی استفاده کرد؛ یافته‌ها نشان داد شرایط نابسامان اقتصادی-اجتماعی خانواده‌های آنان، از طرفی فرهنگ پذیرفته‌شده در زمینه کار کودکان، موجب ورود کودکان به کار در خیابان شده است.

شالچی و میرزابابی (۱۳۹۴) در یک پژوهشی در شهر تهران با هدف بررسی تجربه کودکان کار از مداخلات سازمان‌های رفاهی و از طریق روش کیفی و مصاحبه صورت گرفته بود. یافته‌ها نشان داد که کودکان درک متفاوتی از اقدامات سازمان‌های رفاهی برای رفع مشکلات خویش دارند و این سازمان‌ها را محل آرامش خود می‌دانند تا تأمین‌کننده آن. در واقع میان اولویت کودکان و سازمان‌های رفاهی تفاوت و شکاف جدی وجود دارد. زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود دریافتند که عواملی چون بیکاری

سرپرست خانواده، خشونت خانوادگی و فقدان الگوی تربیتی سالم در رفتار والدین با یکدیگر و با کودک، اعتیاد والدین، فقر اقتصادی خانواده در بروز پدیدهٔ کودکان کار نقش داشته‌اند در بین این عوامل، خشونت خانوادگی نسبت به کودک و خشونت والدین نسبت به یکدیگر بیشترین تأثیر در بروز پدیدهٔ کودکان خیابانی داشته است. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد ناسازگاری و عدم تطابق سرپرست خانواده با نقش نظارتی و سرپرستی خود به دلیل استعمال مواد مخدر در بروز این پدیده مؤثر بوده است.

ناز^۱ و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای در کشور پاکستان که از روش کمی و کیفی توأم استفاده شده بود دریافتند که کار کودکان در نتیجهٔ عوامل مختلفی از جمله ساختار خانواده، طلاق والدین، تنش‌های خانوادگی و اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و جمعیت زیاد خانواده بوده است.

سورش^۲ (۱۳۹۸) در یک پژوهش با هدف شناخت عوامل محرک و مؤثر بر کودکان کار و پیامدهای آن در هند انجام داده بود. دریافت که فقر، فقدان منابع آموزشی، توسعه‌نیافتگی اجتماعی و اقتصادی، اعتیاد، بیماری یا ناتوانی، سنت خانواده و تبعیض بین پسران و دختران در خانواده به عنوان علل بروز کودکان کار مطرح بودند و آسیب‌های عمومی کودکان و سوء استفاده‌هایی مانند آسیب‌های جسمانی، سوء استفاده جنسی به ویژه در بین دختران، فحشا و بارداری زودرس، سقط جنین، تنبیه بدنی، تحقیر و سرزنش و ناامیدی و نداشتن سرپناه و تغذیهٔ نامناسب و محرومیت از عشق خانواده به عنوان پیامدهای کار کودکان مطرح‌اند.

اریکسن و مولانگتا^۳ (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی شبکه‌های اجتماعی بچه‌های کار در آدیس بابا پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از مصاحبه با تعدادی از بچه‌های کار به نقش شبکه‌های اجتماعی در تأمین امنیت، غذا، آموزش رسمی و غیر رسمی و کاریابی بچه‌های کار پرداختند و بیان داشتند که شبکه‌های اجتماعی به مثابهٔ سرمایهٔ اجتماعی این

1. Naz.

2. Suresh.

3. Ereksen-Mulugeta

بچه‌ها، نقش تأثیرگذار و مهمی بر زندگی آنها دارند.

پلامر^۱ و همکارانش (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی توصیفی بچه‌های کار و بچه‌های خیابانی در سودان پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از مشاهده مشارکتی و انجام مصاحبه‌های کیفی از ۱۰۲۵ پسر کار، ۱۹۲ دختر کار، ۳۹۷ پسر خیابانی، ۳۵ دختر خیابانی به این نتیجه رسیدند که بچه‌های خیابانی کمتر از بچه‌های کار دارای خانواده محلی در آن مکانند، احتمالاً در گذشته دارای تجربه‌ای دردناک مانند مرگ مادر یا اهل بخش جنوبی جنگ‌زده سودانند و ۷۰ درصد بچه‌های خیابانی و ۱۰ درصد بچه‌های کار مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند. زمان سوء استفاده با گذار از بچه‌های به بچه‌های خیابانی همخوانی دارد. آنها در پایان پیشنهاد دادند که ارائه خدمات باید ویژگی‌های بچه‌ها از نظر جنسیت و خیابانی یا کودک کار بودن را در نظر بگیرند.

یافته‌های بارخاتوف و بوخارف^۲ (۱۳۸۰) در مطالعه‌ای درباره‌ی کودکان خیابانی که به سفارش سازمان جهانی کار در مسکو و از طریق پیمایش صورت گرفته بود، نشان داد عواملی از قبیل شرایط مسکن و سکونت، شرایط بهداشتی، خطرات و تهدیدات، اذیت‌ها و آزارها، ارتباط با ارگان‌های حمایتی و قانونی، وضعیت تحصیلی، منبع درآمد، طول مدت و میزان حاد بودن کار، در نحوه‌ی زندگی آنان تأثیر داشته است.

سازمان جهانی کار^۳ (۱۳۷۵) پژوهشی را در چهار کشور غنا، هند، اندونزی، و سنگال برای اندازه‌گیری کار کودکان به روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه انجام داده است. نتایج این پژوهش حکایت از اشتغال ۲۵ درصدی از کودکان این مناطق دارد. بر اساس این تحقیق در سنگال ۴۰ درصد و در سه کشور دیگر بالای ۱۲ درصد از بچه‌ها کار می‌کنند. در هر چهار کشور، کار کودکان برای کمک به اقتصاد خانواده بوده است. کار آن‌ها در کارگاه‌ها یا خرده‌کاری خانواده به خاطر بازگذاشتن دست بزرگسالان برای فعالیت اقتصادی در هر جای دیگر در نظر گرفته می‌شود. این بررسی نشان می‌دهد که ارتباط قوی‌ای بین کار کودکان با فقر، بی‌سوادی، سطح توسعه‌نیافتگی روستاها، شرایط

1. Plummer.

2. barkhatov- brukhavo.

3. ILO.

حلبی آبادها، عدم شرکت در آموزش یا فرار کودکان از آن، مرگ یا غیبت دائم پدر، اندازه خانواده و شغل والدین برقرار است.

انیو^۱ (۱۳۶۱) در پژوهشی در کشور جامائیکا به بررسی ساختار خانواده، بیکاری و کودکان پرداخته، بر این باور است که کار کودکان را باید در ساختاری که در آن قرار می‌گیرد، مورد توجه قرار داد. در واقع بزرگسالان با در نظر گرفتن وضعیت اقتصاد بحرانی که موجب افزایش بیکاری در این کشور شده است، کودکان خود را از کودکی با هنجارهای کار آشنا می‌کنند و بدین گونه نقش جامعه‌پذیری بر فرد دارند.

تحقیقات مختلفی که در زمینه پدیده کودکان کار خیابانی صورت گرفته، از طریق روش‌های کمی و پیمایش و طرح سؤال در پرسشنامه بوده است که این برای شناخت و درک پدیده کودکان کار خیابانی که ابعاد مختلفی در بروز آن دخالت داشته‌اند، از یک طرف و سن جامعه مورد نظر که هنوز ممکن است درک صحیحی از سؤالات نداشته باشند و با توجه به اینکه در ظهور پدیده کودکان کار خیابانی ابعاد مختلف و پنهانی دخالت دارند، بنابر این نگاه خطی برای فهم این پدیده جامع نیست. برای نمونه در اکثر تحقیقات اشاراتی به علل و یا پیامدهای این پدیده شده است؛ اما به فرآیند شکل‌گیری آن که مستلزم استفاده از روش‌های کیفی و فرآیندمحور است اشاره نشده است. در این پژوهش سعی بر آن بوده است که ابتدا از طریق روش کیفی، این فرآیند مورد واکاوی قرار گیرد. ثانیاً از طریق ارتباط با نهادهای متولی، دسترسی بیشتری به میدان پژوهش و مشارکت‌کنندگان داشته باشیم که البته با محدودیت‌هایی نیز رو به رو بودیم.

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی به مفاهیمی اشاره دارد که محقق احتمال می‌دهد بیشترین ارتباط را با موضوع و مسأله پژوهش داشته باشند. از نظر گلاسر و اشتراس^۲ (۱۳۴۶)، حساسیت نظری مربوط به ظهور مفاهیم در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات است که در خدمت توسعه

1. ennew

2. Glaser, Strauss

نظریه قرار می‌گیرند. در حساسیت نظری بر ایده‌ها و مفاهیمی که در فرایند تحقیق ظهور می‌کنند و مؤید نظریه متکی بر تجربیات مشارکت‌کنندگان است، تمرکز می‌شود. اشتراک و کوربین^۱ (۱۳۷۷) در ادامه بحث پیرامون حساسیت نظری، بیان می‌کنند که حساسیت نظری فرآیندی است که قبل از جمع‌آوری اطلاعات شروع و در طول جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها ادامه می‌یابد. منابع متعددی از حساسیت نظری در هر پروژه تحقیقاتی وجود دارند (برای مثال حضور مفاهیم و نظریه‌ها، ادبیات تجربی تحقیق و تجربه شخصی و حرفه‌ای محقق). منابع حساسیت نظری می‌توانند در خدمت جهت‌دهی به پیامدهای تحقیق قرار گیرند؛ بدین معنا که منابع حساسیت نظری می‌توانند در خدمت شروع تحقیق و چگونگی ملاحظه بر داده‌ها برای ظهور تبیین‌های نظری قرار گیرند (ایمان، ۱۳۹۰: ۳۴۷)؛ بنابراین چارچوب مفهومی شامل مفاهیمی می‌شود که قصد داریم در مطالعه جستجو کنیم و ارتباطاتی که انتظار داریم (مبتنی بر ادبیات پژوهش) بین این مفاهیم وجود داشته باشد. توجه داشته باشید که این چهارچوب، پاسخ‌ها را نشان نمی‌دهد بلکه فقط مفاهیمی را در بر می‌گیرد که پژوهش و جمع‌آوری داده را هدایت می‌کند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

نظریه فرهنگ فقر

نظریه فرهنگ فقر یکی از نظریاتی است که در حوزه کودکان خیابان مطرح است. بر اساس این دیدگاه، بسیاری از افراد فقیر فاقد نیروی روانی کافی برای بیرون کشیدن خود از فقرند؛ در نتیجه آنان قادر نیستند از کمک‌های اقتصادی برای بهبود وضع خود سود جویند (محمدی، ۱۳۹۴: ۶۸). نظریه فرهنگ فقر با رویکرد روانشناسی اجتماعی با این پیش‌فرض آغاز نموده است که فرهنگ فقر نوعی شیوه زندگی است که دارای ابعاد روانی اجتماعی نظیر گوشه‌گیری و انزوا و عدم حمایت‌های خانواده از افراد آن است (احمدی و ایمان، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

نظریهٔ گسیختگی خانواده

با استعانت از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهمترین عامل اجتماعی‌کننده، ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت کج‌رو و پیدایش مسائل اجتماعی دخیل می‌داند. وی معتقد است که خانواده کانون اصلی شکل اجتماعی و به عنوان یک سیستم کوچک اجتماعی که زیربنای جامعهٔ بزرگتری را فراهم می‌کند، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن بر تک‌تک افراد آن تأثیر قطعی دارد. به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتواند وظایف خود را به طور مناسب انجام دهد. گسیختگی خانواده به وجود می‌آید؛ گسیختگی خانواده معلول عوامل زیر است:

۱. فقدان یا غیبت مادر به علت اشتغال خارج از خانه، مرگ، یا طلاق.
۲. وجود روابط عاطفی ضعیف و حتی متعارض بین اعضای خانواده که با وجود زندگی اجتماعی با یکدیگر در ظاهر اما از کارکردهای کنشی متقابل برخوردار بوده و نسبت به یکدیگر از همدلی برخوردار نیستند. به نظر گود خانواده نقش عمده‌ای در تأمین نیازهای جسمی، روانی و عاطفی فرزندان و اعضای خود ایفا می‌کند؛ به‌علاوه این نهاد به جریان شناخت خود، کشف خویشتن و هویت‌یابی فرد کمک می‌نماید، نقش عمده‌ای در یادگیری تربیت و آموزش اعضا به عهده دارد. خانواده منبع رشد و شکوفایی استعدادهای فرزندان و اعضای خود به شمار می‌رود (زارع شاه‌آبادی، ۱۳۸۸: ۴۰). بنابراین از هم پاشیدن ساختار خانواده به عنوان یکی از علل مطرح در جدایی کودکان از خانواده است.

این مطالعه از دیدگاه بر ساخت‌گرایی به عنوان چارچوب مفهومی استفاده کرده است. در دیدگاه بر ساخت‌گرایی، تنها واقعیت عینی و بیرونی نیست که شناخت ما را می‌سازد بلکه ذهن ما نیز در ساختن جهان خارج نقش سازنده‌ای دارد. به نظر برساخت‌گرایان، مفاهیم جنبهٔ خاص تاریخی و فرهنگی خود را دارند و نتیجهٔ شرایط خاص زمانی و

مکانی خویشند. به نظر آن‌ها آنچه حقیقت نامیده می‌شود حاصل مشاهده جهان عینی نیست، بلکه زائیده فراگردهای اجتماعی مستمر بین افراد است (بهرامی کمیل، ۱۳۸۸: ۲۰). در رویکرد تفسیری بر خلاق بودن و هدفمند بودن کنش‌های کنشگران و منعطف و سیال بودن واقعیت اجتماعی تأکید می‌شود؛ در این رویکرد واقعیت اجتماعی از قبل موجود نیست بلکه طی یک جریان آگاهانه و هدفمند، کنشگران واقعیت اجتماعی را خلق می‌کنند؛ در این رویکرد واقعیت اجتماعی محصول رابطه دیالکتیک بین فرد و جامعه است. نکته محوری در این رویکرد آن است که کنشگران در شرایط مختلف، کنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند. در این پژوهش نیز برای فهم فرآیند شکل‌گیری پدیده کودکان کار خیابانی و کنش‌های کودکان در خیابان از رویکرد بر ساخت‌گرایی بهره گرفته شد تا معناها، انگیزه‌ها و کنش‌های کودکان کار خیابانی در شرایط مختلف را مورد واکاوی قرار دهیم. یکی از منابع مهم برای بالا بردن حساسیت نظری در این رویکرد، استفاده از نظریه‌های موجود درباره موضوع مورد نظر است که پیشتر بیان شد.

روش شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت، کیفی و از حیث روش، نظریه زمینه‌ای است. مشارکت‌کنندگان شامل کودکان کار خیابانی که در شهر اهواز و حاشیه‌های آن مشغول کار بودند، است. کودکانی که کارهایی از قبیل فال فروشی، وزن کشی، آدامس فروشی، واکس زدن، پاک کردن شیشه خودروها در خیابان‌ها و چهارراه‌ها انجام می‌دادند. در این پژوهش با ۱۰ نفر از کودکان کار خیابانی، مصاحبه عمیق انجام پذیرفت. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است. روش نمونه‌گیری ابتدا هدفمند و سپس نظری بوده است. نمونه‌گیری هدفمند مربوط به انتخاب مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری نظری برای پرورش مفاهیم مورد استفاده قرار گرفت. روش جمع‌آوری در این پژوهش، میدانی و ابزار اصلی مصاحبه عمیق بوده است. در این پژوهش ابتدا با کسب رضایت مشارکت‌کنندگان، از ضبط صوت برای ضبط مصاحبه‌ها استفاده شد و بلافاصله مصاحبه‌ها به صورت متن نوشته شد. روش تجزیه و تحلیل نیز در سه مرحله کدگذاری

باز، محوری و گزینشی انجام گرفت. در مرحلهٔ کدگذاری باز ابتدا جملات به مفاهیم و سپس مفاهیم با توجه به معنا در قالب مقولات فرعی پدیدار شدند. در مرحلهٔ بعد مقولات فرعی نیز با توجه به ابعاد و معنای مشترک حول یک مدل پارادایمی قرار گرفتند و در مرحلهٔ کدگذاری گزینشی، پالایش مجدد مقولات و مفاهیم و زیرمجموعه‌های آنان صورت گرفت. در بحث اعتبارسنجی نیز پژوهش‌های کیفی متفاوت از پژوهش‌های کمی است و طیف متنوعی را در برمی‌گیرد. در این پژوهش ارتباط مداوم و نزدیک با مشارکت‌کنندگان، حضور طولانی‌مدت در میدان، استفاده از صاحب‌نظران که سابقهٔ پژوهش در این زمینه داشتند بهره گرفته شد. از دو روش، ممیزی توسط متخصصان (اساتادان دانشگاه) و همچنین مراجعه به متن مصاحبه‌ها و ارزیابی مجدد استفاده شد.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

نام	وضعیت زندگی	سن	تحصیلات	علت کار	نوع کار	شغل پدر
ابوالفضل	با ناپدری	۹	دوم	تفریح و نیازمالی	اسفند دودکردن	گازفروشی
موسی	با نامادری	۱۴	هشتم	نیاز شخصی و خانوادگی	ضایعات فروشی	آزاد
مجید	با ناپدری	۱۴	نهم	نیاز شخصی و خانوادگی	ضایعات فروشی	بنا کار
مرتضی	با ناپدری	۱۲	هشتم	نیاز شخصی	نایلون فروشی	بیکار
رضا	با خانواده	۱۳	هشتم	نیاز مالی خانوادگی	آدامس فروشی	ایزوگام کار
مصطفی	با نامادری	۱۳	هشتم	استقلال مالی	شیشه پاک کن	بیکار
رسول	با خانواده	۱۶	هشتم	نیاز شخصی و خانوادگی	شیشه پاک کن	آزاد
علی	با خانواده	۱۶	هشتم	نیاز شخصی و خانوادگی	شیشه پاک کن	آزاد
سعید	با خانواده	۱۴	نهم	نیاز مالی خانوادگی	اسفند دودکردن	بیکار
محمد علی	با خانواده	۱۵	دهم	نیاز مالی و خانوادگی	لواشک فروشی	آزاد

جدول ۲: خروجی مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و گزینشی

هسته	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
کار کودک به مثابه مقابله با وضع موجود	چالش‌های ما بعد طلاق در خانواده	مسائل پیش روی خانواده بعد از طلاق والدین	بی توجهی ناپدری، نامادری به کودک، خشنونت ناپدری، عدم تأمین نیازهای کودک توسط ناپدری
		آسیب‌های روحی بعد از طلاق در خانواده	مشکلات روحی مادر پس از طلاق، تغییرات خلقی کودک به دلیل زندگی با ناپدری، آسیب‌های روحی ناپدری پس از طلاق
	معاشرت افتراقی کودک	مشوق‌های محیطی	تشویق دوستان، وجود خرده‌فرهنگ کار
		آموزش و انتقال روش‌های کار در خیابان	آموزش توسط کودکان کار افغانی، پاکستانی و کودکان کار خیابانی باتجربه
	راهبرد گزینشی کودک کار خیابانی	کار کودک به مثابه ابراز وجود	اعلام برائت از ناپدری، استقلال مالی نپذیرفتن نامادری به عنوان مادر، کار به مثابه ساختن آینده
	پیامدهای فردی، اجتماعی کار کودک در خیابان	آسیب‌های اجتماعی کار کودک در خیابان	آشنایی با مواد مخدر، تطمیع کودکان با پول توسط افراد ناشناس، پیشنهادهای ضد امنیتی به کودک
		چالش‌های زمانی	ترک تحصیل به دلیل تداخل زمانی کار و تحصیل، محرومیت از بازی به دلیل تداخل زمانی
		رفتار دوگانه مردم با کودک	رفتارهای مثبت و منفی مردم درباره کار کودکان
		آسیب‌های روحی کار کودک در خیابان	شرمندگی کودکان از دیدن آشنایان در مواقع کار کردن،
		گسست‌های کاری	تعلیق کار به دلیل هشدارهای نهادهای متولی، کمک‌های فامیلی

مقولهٔ اصلی اول: چالش‌های مابعد طلاق در خانواده

کودکان خانواده‌هایی که به دلایل مختلف، طلاق والدین را تجربه کرده‌اند با چالش‌ها و موانعی مواجه بودند. برخی از مشارکت‌کنندگان از نابسامانی‌های خانواده در ابعاد مختلف سخن گفته‌اند. برای نمونه پس از طلاق والدین، کودکان تجربهٔ زندگی با ناپدری یا نامادری یا تجربهٔ زندگی با سرپرستی را که مسئولیت دو خانواده را بر عهده داشته است به زبان آورده‌اند و از مشکلات خود و ارتباط آن با کار کردن و تجارب تلخ خود گفتند. یکی از مشارکت‌کنندگان به نام ابوالفضل از تجارب خود در این مورد چنین می‌گوید:

«۹ سال پیش پدرم و مادرم طلاق گرفتند و از هم جدا شدند. مادرم دوباره ازدواج کرد و الان من با مادرم و ناپدری ام زندگی می‌کنم. کار ناپدری‌ام، آزاده و گازفروشی دارد. وضع ما خوب نیست و خونه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم اجاره‌ایست و مال ما نیست. ناپدری‌ام چشماش ضعیفه و پاهاش پلاتین داره و اصلاً درآمد ندارد. همیشه با مادرم دعوا می‌کنه و توجهی به من هم نمی‌کنه گاهی هم که عصبی می‌شه مادرم را می‌زند. من را هم که دیگه زیاد زده است. از وقتی پدر و مادرم طلاق گرفتند، مادرم اخلاقتش عوض شده وقتی با ناپدری‌ام دعوا می‌شه، وسایل خانه را می‌شکونه تا آروم شه. خودش هم بهم می‌گه از اون وقت که طلاق گرفته اینجوری شده. از اون ور ناپدریم خیلی عصبی است و داد می‌زنه و دعوا می‌کنه با من و مادرم. ناپدری من هم می‌گه از وقتی طلاق گرفته و دوباره با مادرم ازدواج کرده اینجوری شده. من هم دیگه خسته شدم از این وضعیت، ناپدریم توجه نمی‌کنه هیچ، منو هم می‌زنه. بعضی وقتا که دعوا می‌شه من که می‌خوام آروم‌شون کنم نمیتونم، خودم شروع می‌کنم به گریه کردن، انگار من هم دارم مثل اونا می‌شم و زود عصبی می‌شم ولی می‌ترسم چیزی بشکونم چون منو می‌زنه. فقط گریه می‌کنم. دوست دارم از خانه بروم بیرون. از این زندگی خسته شدم به خدا نمی‌دونم دیگه چکار کنم».

در مورد بالا تغییرات خلقی کودک متأثر از شرایط روحی مادر و ناپدری اوست که طلاق گرفته‌اند و دچار مشکلات روحی شده‌اند و این مشکلات روحی به کودک هم

تسری پیدا کرده است. یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان به نام موسی از چندزنی بودن پدر خود و تجارب زندگی در این شرایط می‌گوید:

«پدرم بیکاره اما قبلاً وضع خوبی داشت چون ماشین سنگین داشت و روی اون کار می‌کرد؛ اما وقتی زن دوم گرفت و نامادری‌ام آمد، مجبور شد حق مادرم را بدهد و سرمایه‌اش برای مادرم رفت. من هم الان با نامادری‌ام زندگی می‌کنم. زندگی‌مان خوب نیست. پدرم هم قند گرفت. حالا فقط مشکل پول نیست. نامادری‌ام کاری به من نداره، نه به لباسم نه به غذا خوردنم توجه نمی‌کنه. چون من پسرش نیستم اون هم مادرم نیست. مادر کجا و نامادری کجا. پدرم هم وقتی زن دوم گرفت تمام حواسش به زن دومش است دیگه کاری به من نداره. مادرم هم چون می‌دونست اینجوری میشه فقط بهش گفت حق منو بده و زن دوم بگیر. حالا دوتا خانواده را باید خرج بدهد که نمی‌تونه ولی ما بیشتر سختی می‌کشیم تا مادرم. چون مادرم همون اول حقش را گرفت و پدرم هم ماشین سنگین را فروخت و بهش داد. من دیگه تحمل این خونه رو ندارم. دیگه خسته شدم. حتی پول توجیبی به من نمی‌ده.»

کودکان تجارب مهمی در این باره داشتند. مشکلاتی از قبیل بی‌توجهی نامادری یا ناپدیری به کودکان از یک سو و از سویی مشکلات تشکیل و تأمین اقتصادی ازدواج مجدد والدین و موانع اقتصادی که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند یا خشونت ناپدیری و مشکلات روحی و روانی موجود در خانواده که متأثر از طلاق است، به عنوان یک نیروی دافعه برای کودکان مطرح است و کودکان تاب‌آوری پایینی در برابر چنین شرایطی دارند.

مقوله اصلی دوم: معاشرت افتراقی کودک

این مقوله خود حاصل دو خرده‌مقوله «مشوق‌های محیطی» و «آموزش و انتقال روش‌های کار از طریق همالان» است. مشوق‌های محیطی اشاره به تشویق همالان و محیط دارد و خرده‌مقوله دیگر نیز به نحوه آشنایی کودکان با انواع کار و اینکه چگونه و چه کاری برای کسب درآمد بیشتر مناسب است، می‌پردازد. یکی از مشارکت‌کنندگان به نام مجید در همین راستا می‌گوید:

«من اول کار کردن بلد نبودم، بعد بعضی از دوستانم به من یاد دادند. البته اون‌ها هم اول بلد نبودند. اون‌ها از یکی یاد گرفتند که خیلی خوب بلد بود کار کند و خوب پول درآورد. اون به دوستانم یاد داد، من هم از دوستانم یاد گرفتم. اون پسر که به دوستانم یاد داد یک پسر هندی بود. اون هم به دوستانم یاد می‌داد که چطور پول در بیاورند خیلی وارد بود».

مورد بالا از تأثیر و تشویق همسالان بر کار کودک و اینکه کودکان اتباع خارجی، به عنوان پیشکسوتان کار در خیابان مطرحند، کاملاً مشهود است. کودکان برای کودکان اتباع خارجی، به دلیل مهارت کار کردن بالا، احترام و شان خاصی قائلند. کودکان اتباع خارجی، علاوه بر آموزش کودکان با انواع کار، سعی می‌کنند که فنون و شیوه‌های مناسب برای کار کردن را نیز به دیگر کودکان انتقال دهند. در همین باره مشارکت‌کننده‌ای به نام مرتضی می‌گوید:

«اینکه شما بخواهید کار کنید کافی نیست. باید یاد بگیرید و با کودکان هندی ارتباط داشته باشید تا به شما یاد بدهند یا حداقل با بچه‌های دیگر که با این کودکان ارتباط دارند، متصل شوید تا بتونید خوب کار کنید. یه بار به بچهٔ هندی به من گفت تو اگر یاد گرفتی به بقیه یاد بده. نمی‌خواد حتماً بیان و از من یاد بگیرند».

در مورد فوق روشن است که کودکان اتباع خارجی سعی می‌کنند نکات لازم برای کار کردن در خیابان را به کودکان بی تجربه یا کم تجربه آموزش دهند.

اما تعداد کودکان اتباع خارجی بسیار کم است و خود کودکان بومی مناطق با شیوه و انواع کار آشنا شده‌اند و تجربیات خود را در اختیار دیگران هم گذاشته‌اند. مشارکت‌کننده‌ای به نام رضا در همین باره می‌گوید:

«اکثر دوستان من ضایعات کار می‌کنند بعضی دیگر هم آدامس‌فروشی و دستمال کاغذی. من هم از آنها یاد گرفتم و کار کردم».

مشارکت‌کنندهٔ دیگری به نام مصطفی می‌گوید:

«اولین بار پول نداشتم، حتی برای خانواده هم پول غذا نداشتم. بعد یکی از دوستانم که کار می‌کرد به من گفت که بیا به تو بیست هزار تومان پول می‌دهیم و کار کن و بعد

پس بده؛ اما من چون کار نکرده بودم خیلی می‌ترسیدم اما آن‌ها بهم گفتند طبیعی است که تو ترسی چون کار نکردی می‌ترسی، ما هم اول اینجوری بودیم اما نترس و بیا کار کن، بیشتر از اینا پول در میاری. من هم قبول کردم و با پول اون‌ها بادکنک خریدم و خوب کار کردم و خیلی خوشحال شدم و رفتم نادری کار کردم. وقتی که دیدم پول خوبی اومد دستم، دیگه کم کم به فکر پول درآوردن افتادم».

دیگر مشارکت‌کننده به نام موسی می‌گوید:

«همسایه‌ی ما وقتی دید اوضاع ما خوب نیست به من گفت چرا لباساتون کهنه است بیا یادت بدم کار کنی. اول گفت بیا گدایی کن بعد که گفتم نمیتونم، گفت باشه اشکال نداره شیشه پاک کن، اسفند دود کن و از این کارا و من هم رفتم پاداد کار کردم چون گفت پول خوب می‌دهند و واقعا هم خوب بود».

یکی از مشارکت‌کنندگان که در منطقه‌ی کوی علوی اهواز سکونت دارد به تأثیرات این منطقه بر کار کردن خود سخن گفته است. علی می‌گوید:

«اینجا نمی‌شود کار کرد چون اهالی این منطقه به ما کمک نمی‌کنند. اصلاً اینجا کار کردن جواب نمی‌دهد. اکثر کودکان این منطقه در مناطق دیگر کار می‌کنند چون مناطق دیگر پول بیشتری می‌دهند، اما فایده‌ی این منطقه اینه که ما اینجا دوستان و هم محله‌هایی داریم که قبلاً کار کردند و خود آنها هم به من گفتند اینجا برای کار کردن خوب نیست و مناطق دیگه برید و درست هم گفتند چون خودشون قبلاً اینجا کار کردن و دیدند که اینجا نمی‌شود. برای همین است که میگم اینجا فقط برای این خوبه که دوستان کمک می‌کنند که کجا کار کنیم و بلدند».

در مطالب فوق معاشرت افتراقی کودک به کرات مشاهده می‌شود و از تأثیر و آموزش توسط همسالان به کودکان بی تجربه یا کم تجربه سخن به میان می‌آید.

مقوله اصلی سوم: راهبرد گزینشی کار کودک

در اینجا کار کودک نوعی مقابله با وضع موجود است و برای استقلال مالی و رفع نیازهای شخصی و حتی نیازهای کاذب و عدم پذیرش ناپدیری به عنوان پدر و نامادری

به عنوان مادر و میل به استقلال مالی است. مشارکت‌کننده‌ای به نام ابوالفضل در همین باره می‌گوید:

«من اولاً کار می‌کنم چون دیگه نمی‌تونم توی خونه اوضاع و دعوا رو تحمل کنم و با ناپدریم بسازم. قبلاً می‌ساختم اما الان فقط برای خواب و غذا می‌رم خونه و خودم دارم کار می‌کنم. خودم از وقتی که رفتم سرکار، دیگه خرج خودم را می‌دم. چه نیازی به ناپدریم دارم و دوماً حالم هم بهتر شده کار می‌کنم؛ هم پول درمیارم هم تفریح هست و دیگه دعوا و بحث خانوادهم را نمی‌شنوم».

در اینجا کودک کار می‌کند چون می‌خواهد مستقل شود و در واقع برای خودش کار می‌کند. کودک علاوه بر کار و کسب درآمد و فرار از تنش‌های خانوادگی، کار را به مثابهٔ تفریح هم می‌بیند. علاوه بر این برخی از کودکان از درآمد بالای خود می‌گویند و با توجه به درآمد خوب، نوعی نیازهای کاذب در کودکان بروز کرده است یعنی کار نه صرفاً به مثابهٔ رفع نیازهای شخصی بلکه عنصری فراتر از نیازهای آنی، ساختن آینده، تلقی می‌شود. مرتضی در همین باره می‌گوید:

«حتی اگر پول داشتم باز هم کار می‌کردم. چرا کار نکنم؟ باید کار کنم. برای آینده‌ام نیاز دارم. هم برای الان هم برای آینده‌ام. من چند وقت پیش موتور داشتم که فروختمش چون زیاد خراب می‌شد الان هم دارم جمع می‌کنم که یه موتور بهتر بخرم چون خیلی نیازم می‌شه. من زیاد میرم بیرون پارک بازار و جاهای دیگه. بدون موتور چه جوری برم همیشه. از وقتی هم که کار کردم خودم خرج خودم را می‌دهم. برای آینده ام هم ذخیره می‌کنم. هر وقت هم نیازم شد مثل الان که موتور می‌خوام پول برای موتور دارم دیگه کار به ناپدریم و جر و بحث‌هاش ندارم دیگه ازش پول نمی‌گیرم خودم پول درمیارم. اما اگه کار نکنم غیر از خرجهای خودم، باید ناپدریم هم مثل پدرم بدونم که من روز اول بهش گفتم تو ناپدری من هستی، پدر من نیستی، پدرم کس دیگه‌ای است. کاری بهش ندارم احترامش هم دارم اما پدرم نیست».

در اینجا کار کودک صرفاً نه برای رفع نیازهای شخصی بلکه در عین حال به معنای

استقلال مالی، ساختن آینده، پاسخ به نیازهای کاذب و نپذیرفتن ناپدیری به عنوان پدر و به صورت کلی مقابله با وضع موجود است.

مقوله اصلی چهارم: پیامدهای فردی، اجتماعی کار کودک در خیابان

این مقوله از چند خرده‌مقوله «آسیب‌های اجتماعی کار کودک در خیابان»، «چالش‌های زمانی»، «رفتار دوگانه مردم با کودک»، «آسیب‌های روحی کار کودک در خیابان» و «گسست‌های کاری» حاصل شد.

عواقب و پیامدهای کار کودک در خیابان از آشنایی با مواد مخدر، تحریک به مصرف دخانیات، پیشنهادهای ضد امنیتی به کودک و استفاده از کودک به عنوان ابزاری برای دامن زدن به مسائل اجتماعی و رفتار دوگانه مردم با کودک و مواردی از این دست را شامل می‌شود. تجارب مشارکت‌کنندگان را یک به یک مورد واکاوی و تحلیل قرار خواهیم داد. یکی از مشارکت‌کنندگان به نام مرتضی در همین باره می‌گوید:

«در خیابان چند بار به من گفتند اگر فلان کار را بکنی یا چیزی که دارند را به جایی که می‌خواهند ببرم، به من پول می‌دهند اما من قبول نکردم؛ چون می‌دونم کارشان خلاف است اما خیلی از بچه‌ها نمی‌دونند و گرفتار می‌شوند. یک بار یه موتوری به من گفت برو صاحب مغازه را سرگرم کن، ما سر خیابان می‌ایستیم تو مشغولش کن تا ما کارمان انجام بدهیم بعد بت پول می‌دهیم. من ترسیدم و نرفتم حتی شده بعضی وقتاً مثلاً کسی میاد سیگار تعارف می‌کنه بعضی بچه‌ها می‌گیرن بعضی هم نه. معمولاً اینا اول می‌بینن که اگر بچه‌ها چیزی نگفتن و ساکت بودن بعداً بهشون مواد می‌دن که ببرن جاهایی که خودشون می‌خوان اگر هم پلیس بفهمه بچه‌ها رو می‌گیره چون مواد دست بچه‌ها می‌چرخه».

در اینجا استفاده ابزاری از کودک و پیشنهادهای ضد امنیتی به او کاملاً روشن است. علاوه بر این بین خود کودکان نیز درگیری به وجود می‌آید که مرتضی در ادامه می‌گوید:

«من رفته بودم کیانپارس کار کنم اما اونجا بچه‌های آخر آسفالت مارو گرفتند و گفتند دیگه اینجا برای کار کردن نیایید چون ما اینجا کار می‌کنیم؛ برای همین از ما نفری ده هزار تومان پول گرفتند به عنوان تعهد که دیگه اونجا کار نکنیم».

علاوه بر این چالش‌های زمانی، تداخل زمانی کار و بازی و تحصیل، گسست‌های کاری و آسیب‌های روحی، از دیگر تبعات کار کودک در خیابان است. ابوالفضل می‌گوید:

«من نمی‌دونم چکار کنم بین کار و بازی، حالا درس می‌تونم نروم اما چون خسته می‌شم بازی نیازه. کار خوبه اما بعضی وقتا اگر مردم از ما نخرند یا آشنا ما را ببینن، آدم خجالت می‌کشه و شرمنده می‌شه. تازه اگر همیشه کار کنیم مثلاً بعضی وقتا بچه‌ها به‌خاطر کمک‌های کم به‌زیستی دیگه نمیان سرکار ولی بعد از یه مدت دیگه پیدااشون می‌شه بعضی‌ها هم از مأموران می‌ترسن و وقتی طرح جمع‌آوری میاد بچه‌ها چند روزی نمیان تا اوضاع خوب شه، بعد میان. بعضی‌ها هم فامیلاشون کمکشون می‌کنن و تا یه مدت نمیان ولی باز بعد اینکه پولشون تمام شد میان».

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان به نام مجید از رفتار مردم چنین می‌گوید:

«بعضی از مردم خوب رفتار می‌کنند بعضی‌ها هم نه. بعضی‌ها دلشان واقعاً می‌سوزه و کمک می‌کنند بعضی هم نه براشون عادی است».

کار کودکان در خیابان عواقب و پیامدهای منفی بسیار گسترده‌ای دارد محمد علی در همین باره می‌گوید:

«اینایی که در خیابان زندگی می‌کنند اوضاع خیلی بدی دارند چون بعضی از آن‌ها که مثلاً کار ضایعات انجام می‌دهند از ساعت پنج عصر می‌روند تا سه نصف شب. یه بار دوستم بهم گفت بیا گفتم نه، خسته کننده است. بعد یه مدت فهمیدم همانجا شب دوستم را اول زدند بعد گوشی موبایلش را بردند و بعد حتی پولهایی که کار کرده بود را هم گرفتند».

مشارکت‌کنندهٔ دیگری به نام رسول می‌گوید:

«برای من دو اتفاق افتاد یک بار یکی یک بسته‌ای بهم داد گفت برو این بسته را ببر تا آن سر خیابان، بهت پول بدم اما من انجام ندادم چون خیلی وقتا برای دوستام پیش اومده که مواد بوده و بعد که پلیس این‌ها را گرفته تازه بچه‌ها فهمیدن که مواد بوده اما پلیس چون اون افراد رو نمی‌شناسه و نگرفته و مواد را دست دوستام دیده دیگه دوستام را گرفتند. یه بار هم یکی به من سیگار تعارف کرد که نگرفتم».

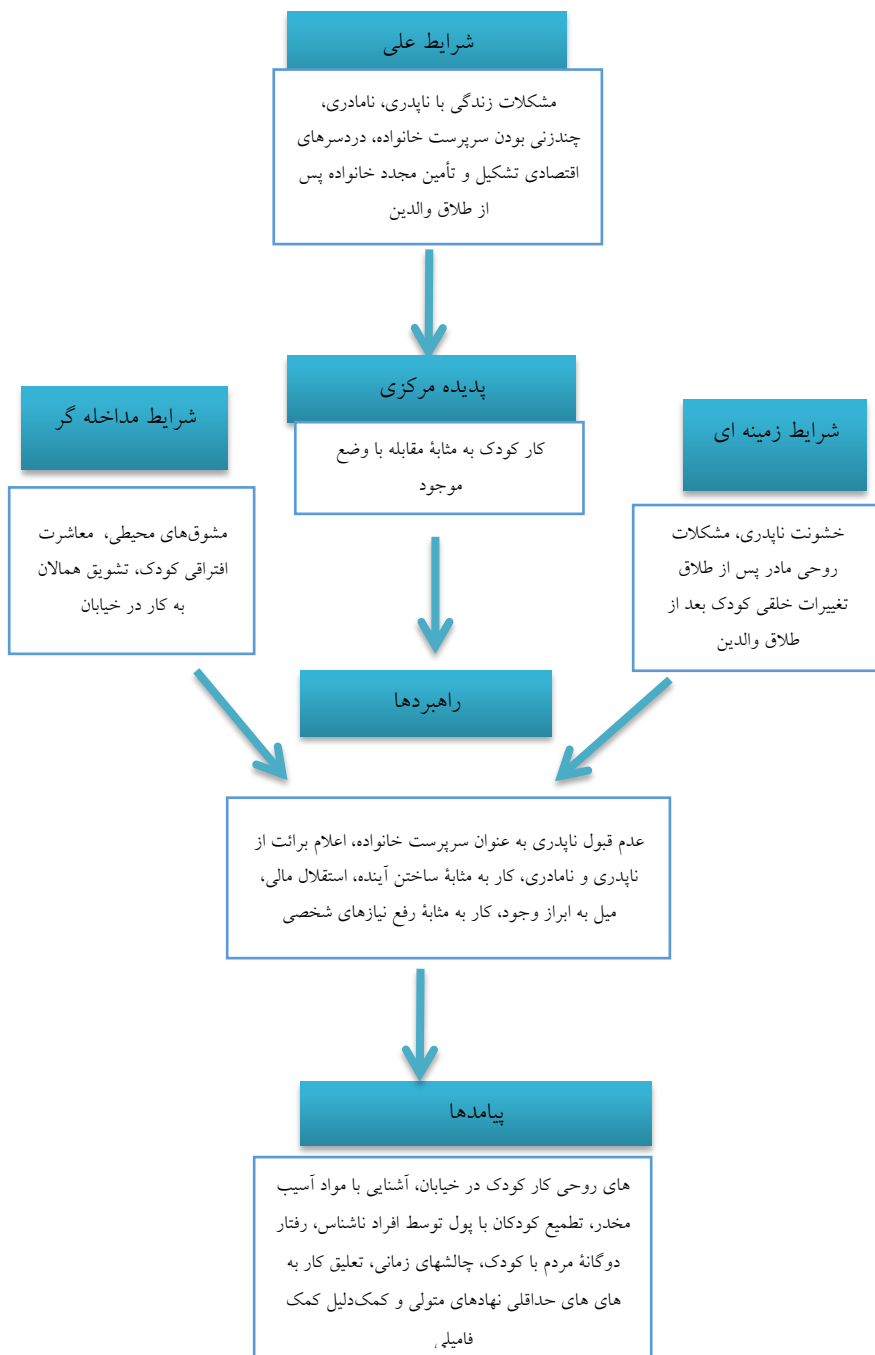
مشارکت‌کننده‌ی دیگری به نام سعید از وجود بیماری‌های پوستی و تنفسی در خیابان چنین می‌گوید:

«من کارم اسفند دود کرده و وقتی بر می‌گردم خونه پوستم خارش می‌گیره و شبا هم انگار نفسم بالا نیامد ولی بقیه‌ی دوستانم اینجور نمیشن، فقط اونایی که کارشون اسفند دود کرده اینجوری می‌شن».

مدل پارادایمی

تحلیل مقوله‌ی کار کودک به مثابه‌ی مقابله با وضع موجود

پدیده‌ی مرکزی که با آن رو به رویم «کار کودک به مثابه‌ی مقابله با وضع موجود» است. شرایط علی که باعث به وجود آمدن این پدیده‌ی مرکزی شده است عبارتند از: مشکلات زندگی با ناپدری- نامادری و چند زنی بودن سرپرست خانواده بعد از طلاق و همچنین مشکلات اقتصادی تشکیل و تأمین مجدد خانواده پس از جدایی والدین است. در این بین شرایط زمینه‌ای شامل خشونت ناپدری، مشکلات روحی مادر بعد از طلاق و تغییرات خلقی کودک پس از جدایی والدین. در این شرایط کودک از طریق معاشرت افتراقی و از طریق همالان پیشنهادهایی را برای کار کردن دریافت می‌کند و راه برون‌رفت از این وضعیت با توجه به شرایط علی و زمینه‌ای، از طریق شرایط مداخله‌گر که معاشرت افتراقی کودک و ارتباط و آشنایی او با کار کردن در خیابان است، مطرح می‌شود و کودک تصمیم می‌گیرد که ناپدری را به عنوان پدر نپذیرد و کار را به مثابه‌ی مقابله با وضع موجود و ابراز وجود می‌داند تا از طریق کار کردن به یک استقلال مالی برسد؛ نتیجه‌ی چنین تصمیمی آسیب‌های روحی، پیشنهادی ضد امنیتی به کودک، آشنایی با مواد مخدر، چالش‌های زمانی، رفتار دوگانه مردم با کودک و مواردی از این دست است.



مدل پارادایمی کار کودک به مثابهٔ مقابله با وضع موجود

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش کاوشی در فرآیند شکل‌گیری پدیده‌ی کودکان کار خیابانی و پیامدهای آن در شهر اهواز بوده است؛ برای رسیدن به این منظور از رویکرد تفسیری و روش نظریه‌ی زمینه‌ای استفاده شد و با ۱۰ نفر از کودکان کار خیابانی مصاحبه‌ی عمیق انجام پذیرفت. یافته‌ها شامل ۴ مقوله اصلی، چالش‌های بعد از طلاق در خانواده، معاشرت افتراقی کودک در خیابان، راهبرد گزینشی کار کودک در خیابان و پیامدهای فردی-اجتماعی کار کودک در خیابان بوده است. نتایج نشان داد که فرآیند شکل‌گیری پدیده‌ی کودکان کار خیابانی در شهر اهواز دست‌کم دارای دو ریشه است: نخست، ریشه‌ی خانوادگی و نابسامانی‌های موجود در آن به عنوان شرط لازم و نقطه‌ی آغاز این فرآیند است و دوم، معاشرت افتراقی کودک یا به صورت کلی‌تر ریشه‌ی محیطی از طریق همالان و محل سکونت به عنوان منبع القاکننده‌ی کار به کودک و شرط کافی در بروز این پدیده نقش داشته‌اند. مشارکت‌کنندگان از چالش‌ها و تجارب خود سخن گفتند. نکته کلیدی که در سخن مشارکت‌کنندگان وجود داشت این بود که همه نقطه‌ی آغاز فرآیند شکل‌گیری این پدیده را ریشه‌ی خانوادگی و نابسامانی‌های موجود در آن می‌دانند و از شرایط نابسامان زندگی خود به عنوان یک نیروی دافعه سخن می‌گفتند و کار را به عنوان ابزاری برای اعلام برائت از این شرایط و کسب استقلال مالی و به صورت کلی مقابله با وضع موجود می‌دانستند. عده‌ای دیگر از مشارکت‌کنندگان نیز از رویکرد ایجابی و پیشنهادی همالان و معاشرت افتراقی کودک سخن می‌گفتند که راه برون‌رفت از این شرایط را کار در خیابان و رسیدن به استقلال مالی و تشویق آنها توسط محیط می‌دانند. با توجه به شرایط علی مدل پارادایمی که به اختصار به آنها اشاره شد، کودکان زمانی که در چنین شرایط خانوادگی و محیطی که از لحاظ خانوادگی اکثراً دارای مشکل بوده و جزء خانواده‌های از هم‌گسیخته بوده‌اند و همچنین از نظر محیطی تقریباً همه در محله‌های حاشیه‌ی شهر که دارای امکانات کم هستند، قرار گرفته‌اند باعث شده تا این کودکان تحت تأثیر این عوامل به سمت و سوی خیابان و کار در خیابان متمایل شوند؛ بنابراین شرایط موجود در جامعه

و بخصوص دو عامل خانواده و محیط زندگی در پیش روی کودکان قرار گرفته و آنها برای مقابله با این شرایط به کار در خیابان روی آورده‌اند.

پیامدهای چنین تصمیمی شامل آسیب‌های روحی، جسمی، پیامدهای اجتماعی شامل آشنایی کودکان با مواد مخدر، تطمیع کودک با پول توسط افراد ناشناس و به صورت کلی استفاده از کودک به عنوان ابزار در بین اشخاص ناشناس می‌است. بنابراین در درجهٔ اول توجه به بنیان خانواده و رصد آن توسط نهادهای متولی تا حدود زیادی می‌تواند از گسترش این پدیده جلوگیری کند. هر چه بنیان نهاد خانواده از نظر مادی و معنوی تقویت گردد و ساختار آن پایدار بماند، می‌تواند به عنوان پیش‌قراول از آسیب‌های متأثر از کودکان در جامعه بکاهد و همچنین به میزانی که در خانواده نابسامانی‌های فراوان وجود داشته باشد، می‌تواند به مسائل اجتماعی دامن‌بزند؛ بنابراین توجه به ریشهٔ خانوادگی و نابسامانی‌های آن از طرف مددکاران نهادهای متولی و مشاورهٔ روحی و روانی به آنان و همچنین پیگیری وضعیت کودکانی که با ناپدیری یا نامادری زندگی می‌کنند، می‌تواند تا حدود زیادی از گسترش این پدیده جلوگیری کند. نتایج این پژوهش با نتایج ناز^۱ و همکاران (۱۳۹۸) که ساختار خانواده، طلاق والدین را از مهمترین علل کار کودک در خیابان می‌دانند، همچنین با نتایج زارع شاه آبادی (۱۳۸۸) که خشونت خانوادگی، بیکاری سرپرست خانواده را علل مهم کار کردن کودک می‌دانند، همسو بوده است. امیری (۱۳۹۵) در یک کار کیفی، ارتباط با دوستان و شبکهٔ دوستان و همچنین شرایط اقتصادی خانواده‌ها را عوامل اصلی بروز این پدیده دانسته بود که با نتایج پژوهش حاضر همسو است.

پیشنهادها

۱. ارتباط شوراهای شهر، شهرداری، و سایر نهادهای حکومتی و مدنی با یکدیگر
۲. ارتباط نهادهای متولی با حوزه‌های دانشگاهی در بررسی بهتر این پدیده و دسترسی بهتر به آن

۳. تقویت علمی و اقتصادی نهادهای متولی مانند بهزیستی که به عنوان نهاد متولی عمل می‌کند
۴. ایجاد دفاتر تسهیل‌گری در مناطق حاشیه‌ای یا جرم‌خیز و بافت فرسوده و ارتباط این دفاتر با نهادهای تصمیم‌گیر بالادستی در سطح شهر و استان، می‌تواند در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها واقع‌بینانه‌تر باشد و کاربردی‌تر برای این مسأله گام بردارد.
۵. ایجاد شغل‌های فنی برای والدین کودکان کار از طریق آموزش توسط سازمان فنی و حرفه‌ای مستقر در شهرها و مراکز استان‌ها در توانمند کردن و ارتقای مهارت والدین و کسب درآمد.
۶. کنترل از لحاظ تحصیل و کاهش زمینه‌ای ترک تحصیل.
۷. تأمین نیازهای تحصیلی مانند نزدیکی محل سکونت به مدرسه، نیازهای آموزشی از قبیل کتاب، لوازم التحریر، لباس و حتی تغذیه مناسب.
۸. تشویق یا کنترل تحصیل زنان و سرکشی و مراقبت از اعضای خانواده آنها توسط نهادهای متولی و مددکاران اجتماعی.
۹. به محققان پیشنهاد می‌شود با توجه به نتایج این پژوهش تحقیقاتی درباره نقش خانواده‌ها و همچنین محله‌ها در شکل‌گیری کودکان خیابانی در سایر شهرها انجام دهند به‌ویژه به روش کیفی و در نهایت انجام یک تحقیق کمی با توجه به مدل پارادایمی این تحقیقات.

منابع

- آقاپور فرکوش، مجید؛ نوابخش، مهرداد؛ فتحی، سروش. (۱۳۹۷). «ارائه مدل تبیین جامعه‌شناختی کودکان خیابانی شهر تهران (۱۳۹۷)» فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۹، ش ۵۳، ص ۱۵۹-۱۸۸.
- آقاجان، امیر. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پیدایش کودکان کار در شهر تهران ۱۳۹۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد تهران مرکزی.
- ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل، چاپ اول، تهران: نشر علم.

احمدی، حبیب؛ ایمان، محمد تقی. (۱۳۸۴). فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز، مجلهٔ پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دورهٔ ۱۹، شماره ۲، ص ۹۹-۱۱۸.

امیری، انسیه. (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی تجربهٔ زیستهٔ کودکان کار خیابانی افغان در شهر اصفهان ۱۳۹۵، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی.

اندکی فشنمی، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر کودکان کار خیابان، (مورد مطالعه: شهر رشت)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، رشتهٔ جامعه‌شناسی، دانشگاه البرز.

ایمان، محمد تقی. (۱۳۹۰). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شمارهٔ انتشار ۱۷۲؛ فلسفهٔ علوم انسانی ۲).

ایمانی، نفیسه و نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۹۱). «مطالعهٔ انسان‌شناسانه پدیدهٔ کودکان کار خیابانی در شهر کرج»، فصلنامهٔ علمی-پژوهشی مسائل اجتماعی ایران، دورهٔ ۳، ش ۱، ص ۳۲-۷. بایدن، جو و مایرس، ویلیام. (۱۳۷۹). روش‌های مبارزه با کار کودکان، ترجمهٔ سام هدا، تهران: دفتر یونیسف.

بهرامی کمیل، نظام. (۱۳۸۸). نظریه‌های رسانه‌ها: جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: کویر. حزبوای، عزیز و ملتفت، حسین. (۱۳۹۶). بررسی ویژگی‌ها و زمینه‌های اجتماعی اقتصادی پدیدهٔ کودکان خیابانی و کار در شهر اهواز، طرح پژوهشی، ادارهٔ کل تعاون، رفاه و کار اجتماعی استان خوزستان.

زارع شاه آبادی، اکبر؛ حاجی زاده میمندی، مسعود؛ اکبری قورتانی، صدیقه. (۱۳۸۸). «نقش خانواده نابسامان بر پدیدهٔ کودکان کار (مطالعهٔ موردی: استان یزد)»، فصلنامهٔ علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۳، ص ۲۹-۵۲.

شالچی، وحید؛ میرزابابایی، سیما. (۱۳۹۴). تجربهٔ کودکان خیابان شهر تهران از مداخلات سازمان‌های رفاهی، فصلنامهٔ برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۲۵، زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۹۳-۲۲۶.

محمدی، خلیل. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر بروز پدیدهٔ کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامهٔ علمی-تخصصی انتظامی پایتخت. سال (۸)، شمارهٔ ۳، شماره پیاپی ۲۶، ص ۵۷-۷۷.

مقدس جعفری، محمد حسین؛ ویسی نژاد، نور محمد؛ درستی، امیرعلی. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش پدیده‌ی کودکان کار (مطالعه موردی شهر اهواز) فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد شوشتر، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۱، تابستان، ص ۷۲-۵۵.

وامقی، مروئه؛ دژمان، معصومه؛ رفیعی، حسن؛ روشنفکر، پیام. (۱۳۹۴). «ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی در شهر تهران»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۴، شماره: ۱، ص ۵۷-۳۳.

Brukhave & Barkhatov (2001) "Street Children in Mosco" www.ILO.
Ennew, Judith. (1982). "Family Structure, Unemployment and Child Labour in Jamaica", Development and Change, Vol 13 No 4.

Eriksen, S.H.Mulugeta,E (2016). Social Networks for Survival among Working Children in Addis Baba.Childhood , 2016 Vo1, 23 (2).

Gahremani, S; Khosravifar, Sh; Ghazanfarpour, M; Shahraei, Z; Saeidi, A; Jafarpour, H; Khosravifar, Sh; Mirzaee, F; Babakhanian, M (2019). Factors affecting child labor in Iran; a systematic review.systematic review, www.ijp.mums.ac.ir, Vol 7, n 9, serial no, 69, 10067-10075.

I. L. O (1996). "Children at Work: How Many and Where?" World of Work: The Magazine of the International Labour Review, No 15.

Naz, A; Khan,H; Khan, T; Khan, Q; Khan, W (2019). Social and cultural deterrminants of child labor in pakistan.clinical social work and health intervention. Volume; 10, issue; 2, cited references; 42, pages; 80-92.

Plummer, M; Kudrati, M; Dafalla ei hag yusif, N (2007). Beginning street life: factors contributing to children working and living on the streets of Khartoum, dudan. Children and youth services review 29 (12), 1520-1536.

Shresh lal, B (2019). Child labour in India; causes and consequences. International journal of science and research, volume 8, issue 5, 2199-2206.